ف، هیرمند

رابطۀ نگارنده و ناشر(رسانه)

نکاتی برای نگارندگان و نیز برای رسانه ها

قبل از پرداختن به موضوع این مقاله، لازم است بعضی از اصطلاحاتی که در آن به کار رفته تعریف شده و مفاهیم مورد نظر آن مشخص گردد.

منظور از اصطلاح **"نگارنده"** نگارندگان تمام متن های نوشتاری می باشد؛ اعم از نظر، یادداشت، توضیح، تذکر، تبصره، نقد، تقریظ، مقاله، تحقیقات تخصصی و علمی، شعر، داستان، خاطرات، آثار تأریخی و سایر نوشته های که در نشرات عمومی به نشر میرسند. زیرا اسم "نویسنده" گاهی اصطلاحاً به داستان نویسان به کار میرفته است، آری برای محرران سایر اسناد نوشتاری نامبرده نیز میتوان اسم نویسنده را به کار برد، اما اطلاق اسم نگارنده به تمام محرران متون فوق مناسبتر و عام تر میباشد.

"ناشر و رسانه" به ارگان و موسسه ای اطلاق می شود که به نشر محصولات نوشتاری، تصویری، صوتی و ویدیویی مشغول است.

در زمان ما که فرصت ها و امکانات بی حد و حصری برای نشرمحصولات نوشتاری فراهم است، معاملات، رابطه ها، حقوق و وجائب طرف های نگارنده و ناشر بدون تعریف و بدون تشخیص مسؤولیت های متقابل مانده نمی تواند، در دوران کنونی تأریخ بشر وسائل ارتباط جمعی و تبلیغات آن نقش بس مهم در تحولات عمومی دارد و بناءً نمی شود این عرصه از کار بشری که ده ها و یا شاید بیشتر از ده ها میلیارد دالر در سال در آن بزنس می شود، از محدودۀ ضوابط قواعد و انتظام لازم به دور باشد، چنین نظام مندی از قرن ها است که در این حوزه مصروف کار و زار است و به تحول و تکامل خود ادامه میدهد.

تعدد و کمیت روبه افزایش رسانه ها و پا به پای آن ظهور بی شمار نگارندگان محصولات مختلف نوشتاری وغیره زمینۀ آنرا فراهم نموده است که بعضاً برخی از رسانه ها و همچنان عده ای از نگارندگان از حقوق و مکلفیت های معیاری خویش طور لازم آگاهی داشته باشند، چنین وضعیتی باعث آن خواهد گردید که بعضاً میان رسانه و نگارنده، سوء تفاهم به وجود آمده و سبب آن گردد که نگارنده توقعات و فرمایشاتی از رسانۀ طرفش داشته باشد که اصولاً خواست مناسب و برابر به معیار های نظام مند این حوزه نباشد. و یا رسانه گاهی از نگارندۀ طرفش خواسته های را مطرح کند که در حیطۀ حق و صلاحیت وی نمی باشد.

این نوشته فقط به روابط گوناگونی که میان نگارنده و ناشر به وجود می آید، اختصاص یافته است و به توضیح ماهیت این روابط، مکلفیت های طرفین، حقوق و وجائب آنان، حدود و تصرفات و تعلقات طرفین در امور یک دیگر، مکلفیت های ناشر در حفظ حقوق حریم خصوصی نگارنده، مکلفیت های ناشر در رعایت ارادۀ نگارنده در زمینۀ نشر بیوگرافی موصوف توسط شخص نگارنده و یا توسط ناشر آثار وی و موافقت نگارنده در مورد محتوای بیوگرافی اش و سلطۀ کامل نگارنده بر محصولات منتشرۀ وی و اینکه خواهان نشر مجدد آثار خود در رسانه های دیگر و یا نشر همزمان آثار خویش در چند رسانه خواهد بود و به حول وحوش همین مطالب و مسائل مرتبط به آن خواهد پرداخت.

رابطۀ نگارنده با ناشر اثرش را میتوان حد اقل به چهارنوع رابطه تحدید نمود:

اول: رابطۀ نگارنده در محدودۀ تعلقات ایدیولوژیک ناشر و نویسنده؛ به این تعبیر که ناشر و نگارنده هر دو به یک ایدیولوژی معین باورمند باشند، در این صورت نگارنده به رعایت تعهدات ایدیولوژیکی خود نزد ناشر پابند خواهد بود، ناشر حق وسیع در تغییر، تصرف، تردید و توسعه و محدود سازی اثر نگارنده خواهد داشت و نگارنده هر دستور روز خط ایدیولوژی اش را اکیداً در کار خود در نظر خواهد گرفت. در این رابطه، ناشر نفوذ همه جانبه و حتی آمرانه بر نگارنده و آثارش خواهد داشت و هر آن اثر و تألیف نگارندۀ متعلقه اش را به خط ایدیولوژیک مربوط بُرِش و تنظیم خواهد نمود.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

از مضار و آسیب های اولی این گونه وابستگی رسانه و نگارنده، آن است که مخاطبان به سختی خواهند توانست، سیمای واقعی وقایع و مطالب را از نشرات این گونه رسانه دریافت کنند، تمام رویداد ها از دیدگاه واحد ارزیابی شده و با نیات و دساتیر معین تفسیر و استنباط میگردند، مسائل فرهنگی، رویداد های اجتماعی، فعالیت های اقتصادی وقایع تأریخی و... به نحوی در پرتو دساتیر همان ایدیولوژی حاکم، جهت اثبات مشی های مشخص همان طریقت و نشانی کردن اهداف نهایی اش پرداخت میگردد. این میتود باعث می شود که پلیورالیزم – ولو رسانه مدعی باور به آن هم باشد - فرصت تنفس یافته نتواند، مخاطبان درچنین رسانه ای از آشنایی با تنوع ارزیابی ها و اشکال مختلف استنباط از وقایع و مقایسهٔ دریافت های متفاوت از عین رویداد محروم میگردند و حتی امکان این نقیضه هم بوجود خواهد آمد که مخاطبان معینی به چنین شیوهٔ واحد و یگانهٔ دیدگاهی مصاب و معتاد گردند، این وابستگی ایدیولوژیک، چه به آن نام "ایدیولوژیک " گذاشته شده باشد و یا نشده باشد، خواننده و مخاطب را به مطلق گرایی، دگماتیزم، جزم گرایی و کوته اندیشی مبتلا خواهد ساخت. نگارندهٔ متعلق به این خط، حین مطالعهٔ اسناد و مأخذ دیگر که با دساتیر ایدیولوژیکی اش موافق هم نباشد، محتویات آن تألیفات را در زیر چتر ایدیولوژی خود و به تأیید و توجیه افکار ایدیولوژی اش به کار می برد و همان پراگراف ها و سطور را که به نحوی مؤید ایدیولوژی اش تلقی می شود، برجسته میسازد، در چنین وضعیتی مخاطب در چهرهٔ سکولار، ملا را می یابد و در هیأت انترناسیونالیست، ملیگرا را به تصویر می کشد، در پُست شاعر مثلاً باستان شناس را و... ایدیولوژی زمینهٔ این موقعیت را فراهم میسازد که همه وفاداران آن، همه کاره و جامع الکمالات باشند، مرز های مسلک ها، رشته ها، شقوق مختلف علوم طبعی و اجتماعی درنوردیده میشوند و مخاطب تصور میکند که مثلاً با مطالعهٔ یکی دو کتاب همه چیز فهم میگردد، چشمان مخاطب بیچاره به این عینک پوشانیده می شود که مثلاً فلان خطیب نیز برای تیوری باستان شناسی احمد و یا محمود اندیشیده بود، چنین طریق اندیشگی وانتقال آن به مخاطب ظلم بزرگی برای علم، تحقیق علمی و به مخاطبی که قربانی این نوع تبلیغ ایدیولوژیک میگردد، خواهد بود.

علی الرغم این همه مضاری که در تکروی روش ایدیولوژی دیده می شود، یگان مزیت هایی را نیز میتوان در این شیوه ملاحظه نمود؛ غالباً ایدیولوژی ها در حوزهٔ خود شان به تحقیقات مهمی دست میزنند که نتائج چنین تحقیقاتی برای محققان همان حوزه ها ممکن است بعضاً به درد بخور و کار آمد باشد.

دوم - رابطهٔ نگارنده با ناشر بر اساس یک قرارداد مشخص که نگارنده آثارش را به ناشر مشخص برطبق متن قرارداد تهیه شده تولید و به ناشر متعلقه اش برای نشر خواهد داد، نگارنده ناگزیر خواهد بود تعهدات خود با ناشر قراردادی را در نظر بگیرد، در این قرارداد نگارنده مکلفیت تعهدی دارد تا مندرجات قرارداد را که به محتوی و شکل نگارش هایش مربوط می شود، اکیداً رعایت کند.

بعضاً نویسندگان نامور صرف به دلیل نام و شهرت ایشان بر اساس یک تعهد برای یک و یا چند رسانه محصولات ایشان را جهت نشر ارائه میکنند و در این نوع تعهدات، نویسنده و یا نگارنده در انتخاب، پرداخت، جهت گیری اجتماعی و سیاسی در تالیفات خود آزاد خواهد بود، البته چنین مستقل بودن نگارنده به برکت شهرت و توانایی های کاری اش میسر خواهد شد.

کارمندان دولتی رسانه یی مطبوع نیز در همین کتگوری محسوب می شوند، کارمندان شرکت های تجارتی نشرات مطبوع که خود نگارنده های دارند نیز تابع همین گونه موقف میباشند

سوم - نوع دیگر رابطه همان رابطهٔ آزاد نگارندهٔ مستقل است که خودش سر رشتهٔ کار خود را در دست دارد و نه درانقیاد ایدیولوژیک ناشرش دربند است و نه در قید و بند مواد قرارداد ناشر قراردادی اش، او مخیر است که در ماهیت و کیفیت محصولات نوشتاری خود فقط آنچه خود می اندیشد و درست و مصلحت میداند همان کند. نگارندهٔ آزاد خودش حاکم بر اصول دیدگاهی خود است، خود موضوع و نوع پرداخت و قواعد ارزیابی و جهت گیری های گروهی، سیاسی و اجتماعی اش را برمیگزیند و خود نتیجه گیری و موضع بدست آمده از ارزیابی و نتیجه گیری اش را اعلام میکند.

این نوع رابطهٔ مستقل نگارندهٔ محصول و ناشر آن، با آنکه خیلی فراخ و افق پهناور آزادی عمل را برای نگارنده ترسیم میکند، میتواند یک نقیضه هم داشته باشد آن نقیضه این خواهد بود که اگر این همه خود مختاری و خود اختیاری بدون آگاهی های لازم علمی و تخصصی به کار رود، فرصت های مساعدی را برای ظهور انفرادیت یا یکه تازی فردی و خود بزرگ بینی، به میان خواهد آورد که محصول نگارنده را آمیخته ای از تمایلات هرج و مرج خواهی و لاقیدی نوشتاری و پراگندگی قاعده یی به ملاحظه خواهد رساند. البته این نقیضه محدود بوده و صرف به همان آثاری مقید خواهد ماند که نگارندگان شان به اصول تحریر و اشکال متعدد نگارش ها اهمیتی ندهند

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

و سعی به این ننمایند که تجارب سایر نگارندگان و اهل قلم را در نظر گرفته و یا اصول و قواعد مرتبط به نگارندگی خود را فرا بگیرند، این شیوه را میتوان به نام خود رویی و یا خود جوشی در حوزۀ نوشتاری مسمی نمود و خصایل منحصر به فردی خواهد داشت که در قواعد عام قلمفرسایی غیر قابل توضیح تشخیص خواهد شد.
از نقائص دیگر این نوع نگارشگری آن است که نگارنده از اصول عمومی و یا اختصاصی امور نوشتاری به دور می ماند و یا به آن اهمیتی نمی دهد و بناءً معنی و جهت انتقادات دیگران را که بر اصول معینی استوار خواهد بود نمی فهمد.
چهارم – نگارندگان معیاری و قاعده پذیر اند که سعی بر آن دارند تا درنگارندگی تمام معیار ها و قواعد مربوط را در نظر گیرند و کار ایشان عاری از هر کوتاهی و کمی باشد، این دسته از نگارندگان شاید اشخاص ماهری اند که به هر صورت قادر اند حرف خود را طوری بگویند که هم زیبا بنماید، هم قانون را نشکند و هم حقیقت کتمان نشود . در واقع این دسته قلمبدستان اشخاص سر به راه و حرف شنو خواهند بود، برخی از این نگارندگان گاهی آثار مهمی تألیف میکنند. این ها قبل از آنکه ناشر، نصایح خویش را به سمع شان برساند، از قبل محصول را مطابق میل ناشر تولید میکنند. اما در این خلال سوال در ذهن مطرح می شود؛ آیا حقیقتی که با قیچی خود نگارنده قد و بست بگیرد، حقیقت تمام عیار خواهد بود؟ در این جاست که ما به یکی از مضار مهم زیاد "حرف شنو بودن" یک نگارندۀ مطیع شرایط دوران خودش بر می خوریم، آن نقص و عیب **«خودسانسوری»** است. خود سانسوری چیست؟ وقتی نگارنده ای حین تألیف کدام اثرش نگرانی، تشویش و هراس از این داشته باشد که اثر او به این یا آن اندیشه و باور، خصایل فرهنگی این یا آن گروه اجتماعی، نقض و زیر پا کردن این یا آن دستور مقامات و...بر می خورد و هواخواهان آنها را عصبانی و تحریک می کند و پس قیچی بردارد و هر چه را که به گمانش صدمات محتمل بالا را ایجاد خواهد کرد قیچی کرده و در فضله دانی بیاندازد و بعد از آن ببیند که محصولش دیگر به میل "معیارها و قواعد!!» برابر شده است، چنین است که عالیجناب به خاطر جمع، گُل واری "خود سانسوری" کرده است، خود سانسوری روح اثر را به راحتی درخفا، خفه میکند و اثر سانسور شده – مخصوصاً که سانسورچی خود نگارنده باشد – کیفیت جوهری اثر را عقیم می سازد. خواهید گفت که پس من (محرر این سطور) توصیه میکنم که نه هر چه می اندیشید همان بنویسید؟؟ هر گز! چون که این توصیه را قبل از من و قبل از هر شخص دیگری اصول حقوق بشری به حیث یک حق برای همه به رسمیت شناخته است، من فقط ابراز نظر میکنم که در زمان ما گاهی تحقق بخشیدن به حقوق مسلم خود هم به گردن گرفتن "ریسک" یا پذیرفتن خطر را لازمه خواهد داشت.
قواعد عام دیگری که در هر حالتی از حالات متذکرۀ بالا سلطه دارد قوانین نشراتی حاکم در نظام قانونی کشوری است که در آنجا این روابط به وجود آمده و به اجراء گذاشته می شود، در هیچیک از حالات فوق ناشر و نگارنده نمی توانند قوانین حاکم در کشور مذبور را چه در محتویات قرارداد ناشر و نگارنده و چه در محتوای محصولات نشراتی خویش نقض کنند، اگر این تخلف روی دهد، متخلفین قانوناً مورد موأخذه قرار خواهند گرفت، پس در روابط فی مابین نگارنده و ناشر ضابطه های خود آنها و ضابطه های قانونی نفوذ دارد.
تذکر این واقعیت نیز حتمیت دارد که ما در دنیای جهانی شده زندگی میکنیم و ناگزیر احکام این روز و روزگار جهانی شده نیز بر ما حاکم و نافذ است، بالخصوص در دنیای بدون سرحد رسانه ها و شبکه های دیجیتلی اجتماعی وجود دساتیر و احکام اصولی و قانونمند به طور عملی مطرح بوده و از چندی به این سو خیلی جدی گرفته شده است و ناقضین این اصول و قوانین به فیصدی زیادی تشخیص و موأخذه میگردند که ناشران و مؤلدان آثار نشراتی را ناگزیر به رعایت این ضوابط جهانی رسانه یی ساخته است؛ خطوط اساسی این اصول جهانی را همان محتویات مادۀ ۱۹ اعلامیۀ جهانی حقوق بشر مشتمل بر حق آزادی بیان، حق دسترسی به اطلاعات و معلومات، رعایت حریم خصوصی اشخاص، رعایت آداب اخلاق عمومی، رعایت اسرار و امنیت عمومی و چند نکتۀ دیگرتشکیل می دهد.
در این اواخر ارتکاب انواع جرایم (تروریزم، جرایم سازمان یافته، سرقت اسرار دولتی و استخباراتی دول، دست بُرد به اسرار تولیدی مؤسسات بزرگ تکنولوژی، بازاریابی و خرید و فروش غیر قانونی و قاچاقی تسلیحات محاربوی، پیدوفیل و...) از طریق ابزار های دنیای مجازی به وقوع پیوسته و شیوع یافته است که قلمرو تجسس و تعقیب شبکه های اجتماعی، انترنت و رسانه های دیجیتلی را هنوز هم گسترده و گسترده تر ساخته است، ناگفته پیداست که وبسایت ها و شبکه های اجتماعی توجه جدی دارند تا با استفاده از حوزۀ آنها چنین کاربرد های ابزاری به نفع مرتکبین جرایم صورت نگیرد.
در صورت وقوع و کشف واقعاتی، در گام نخست نگارندۀ متخلف مسؤول و پاسخگو خواهد بود و ناشر ناگزیر است نگارندۀ متخلف را به مدعی – خواه یک ارگان رسمی باشد و یا مالک اصلی تألیف - معرفی نماید و در

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

صورت بروز ضرر به مالک اثر، موصوف را لااقل جبران خساره نماید و نیز مجازاتی را که مرجع تعقیب کننده به تطبیق آن مکلف است آنرا متحمل گردد. در صورت عدم دستیابی به متخلف متن سرقت شده، ناشر است که تمام عواقب موأخذه را به دوش خواهد کشید. این اصل مسؤولیت جزایی ناشی از تخلف در قواعد و مقررات رسانه یی، ناشر و نگارنده را خیلی به هم پیوند میزند که مسؤولیت یکی از آن دو به دیگری قابل سرایت می باشد، اصول عمومی به روابط و چگونگی آن میان ناشر یا رسانه و نگارندۀ آن علاقه ای ندارد آنچه نزد آن مهم است رعایت قواعد عمومی مروج در عرصۀ رسانه هاست.

نکاتی از حقوق نگارنده در رابطه اش با ناشر

در روابط نگارنده و ناشر مسائلی وجود دارد که بدون رعایت آن حتماً وضعیت و حالتی پیش خواهد آمد که ادامۀ عادی این رابطه را تهدید نموده و حتی برهم خواهد زد، این حالات می توانند حایز نکات آتی باشند:

۱ – نگارنده حق و صلاحیت انحصاری بر محصول کار خود را داراست، این حق انحصاری به موصوف فرصت را میسر میسازد که شکل و محتوای محصول کاری خود را خود انتخاب و تعیین کند و در این حوزه ناشر هیچگونه حق تشبث و مداخله را ندارد.

۲ – حق انحصاری نگارنده بر محصولش به او اجازه می دهد که در آرایش و پرداخت اثر، خود تصمیم بگیرد و ذوق و توقع مزاج خود را در اثرش منعکس بسازد، او مکلف نیست رنگ ها و اشارات دستوری و فرمایشی دیگران را بر خود و اثرش تحمیل کند.

۳ – کمیت و کیفیت محصول نگارنده در ید صلاحیت اوست و گونگی محصول هم در قید انتخاب نگارنده است که مثلاً اثر تحقیقی تألیف میکند و یا صرف استنباطات شخصی خود را بر روی صفحه می ریزاند و یا نظر و یادداشت خامه می کند.

۴ – نگارنده حق انتخاب ناشر محصول کار خود را قطعاً دارا می باشد، که اثر خود را به کدام ناشر جهت نشر بسپارد و باز این حق محدود نیست او همچنان مختار است که در یک و یا در چند رسانه در عین زمان و یا در زمان های مختلف محصولش را نشر کند.

۵ – نگارنده حق دارد، در اثر قابل انتشار خود، قبل و بعد از نشر تغییرات و تعدیلاتی را که خود لازم می داند، به عمل بیاورد.

۶ – او حق دارد که اثر خود را به فروش برساند و یا طور رایگان به نشر بگذارد و یا به شخصیتی اهداء کند.

۷ - رسانه نمی تواند و نباید نگارنده را به تعقیب و پیروی از گرایش مخصوص خود ناگزیر بسازد، طور مثال او را به مخالفت با گرایش بخصوصی تحریک نماید و یا او را مجبور به باورمندی به جهت گیری هایی بسازد که نگارنده به آن باوری نداشته باشد.

نکاتی از حقوق ناشر و یا رسانه

یک ناشر و یا رسانه دارای حقوق و اختیارتی در رابطه اش با نگارنده و محصول وی خواهد بود:

۱ – رسانه حق دارد برای نشر محصول کار نگارنده شرایط قانونی بگذارد؛ یعنی شرایط ناشر و رسانه نمی تواند غیر قانونی باشد، مثلاً توقع رسانه از نگارنده مبنی بر عدم تعرض به کرامت اشخاص یک توقع اصولی و مؤجه است در حالیکه مجبور سازی نگارنده به تشدد گرایی در آثارش یک حرکت اصولاً ناپذیرفتنی است،

۲ – رسانه حق و اختیار دارد که اثر نگارنده را در صورتیکه مناسب به گرایش و سلیقۀ رسانه یی خود نداند از نشر آن انکار نماید و یا به هر دلیل و یا یک دلیل موهوم، نشر یک اثر نگارنده را رد نماید.

۳ – رسانه می تواند برای انتشار آثار نگارندگان، پیش شرط هایی را مطرح کند، ولی این پیش شرط ها ناممکن و غیر قانونی نباشند.

۴ – رسانه حق دارد هویت کامل نگارنده را - ولو نگارنده با نام مستعار بنگارد – از او طلب کرده و نزد خود داشته باشد تا در صورت وقوع کدام رویداد مجرمانه و نقض قانونی رویه ها، نگارنده را به طرف مدعی معرفی نماید.

۵ – رسانه حق دارد تا در صورت وقوع تخلفی از نوع نقض نورم های کاپی رایت، از نشر اثر خود داری نماید

۶ – رسانه حق مسلم خود میداند تا از نگارنده منابع آثار تحقیقی وی را طلب کرده و به نشر بگذارد.

۷ - طرفین تکلیف این امر را برعهده خواهند داشت که آنچه را که میان ناشر و نگارنده موافقت شده رعایت کنند.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

۸ – طرفین یعنی رسانه و نگارنده مکلف اند تا اصول رسانه یی عام (اصول فراملی و یا جهانی) و اصول خاص رسانه یی (قوانین ملی، اختصاصی، محلی و حوزه یی) را رعایت نمایند
در صورت نقض هریک از حقوق و رویه های قبول شدهٔ متذکره، طرف متضرر می تواند برعلیه جانب مقصر دعوی نماید، و خواهان احقاق حق گردد، در صورت عدم سمع ادعا، جانب مدعی می تواند به ادامهٔ کار و همکاری با رسانهٔ مقصر نقطهٔ پایان بگذارد، در صورتیکه ضرر عایدهٔ تقصیر، جدی باشد میتوان به مراجع بلند قضایی اقامهٔ دعوی نمود.
نکتهٔ دیگری که بعضاً میان رسانه و نگارنده عدم تفاهم ایجاد میکند، گاهی رسانه میل و دلچسپی به داخل شدن در حریم خصوصی نگارنده را به سر می داشته باشد، این مسئله به ارتباط بیوگرافی و زندگی قلمبدست مطرح خواهد شد، حریم خصوصی نگارنده مثل هر انسان دیگری غیر قابل ادخال می باشد، رسانه در این مورد کدام امتیاز استثنایی را ندارد که خواهان چنین مداخله ای گردد.
رسانه در باره نشر گذشته و زندگی هر شخصی، به شمول نگارنده اش مکلف به رعایت جدی آداب نشراتی و اصول عام رسانه یی است، هر شخصی منجمله نگارنده حق مسلم دارد که خواهان نشر بیوگرافی خود و یا منع نشر آن گردد و یا نشر آنرا متوقف سازد و یا آنرا تصحیح کند و یا بر آن اعتراض نماید و یا حتی بر رسانهٔ ناشر آن در محاکم ذیصلاح و ذیربط اقامهٔ دعوی نماید.
حوزهٔ روابط و پیوند های رسانه و نگارنده به همان پیمانه گسترده است که موضوعات و مطالب متنوع نگارش ها و تحریریه ها، یعنی غیر محتمل نیست که مطرح شدن هر موضوع جدید در نوشتهٔ یک نویسنده، عناصر جدیدی را در رابطهٔ رسانه و نگارنده به وجود بیاورد، این تذکر ما را به این امر معطوف میدارد که ممکن است به غیر از حالاتی که در فوق ذکر شد به حالات دیگری هم در این روابط بربخوریم.
باخبری و مطلع بودن از حقوق و وجایب خود در عرصهٔ کار های نگارندگی و رسانه یی به طرفین کمک میکند تا در این قلمرو با آگاهی و شناخت لازم وارد شده و مسائل و پیچیدگی های مربوط را تشخیص کرده و با آن به صورت مطلوب روبرو شده و به حل آن اقدام کند، وقتی کاری با آگاهی منحصر به همان حوزه به اجرا گذشته شود، حتماً سطح مفیدیت آن بلندتر خواهد بود .
توفیق الهی بر همه ارزانی باد.

پایان

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولـئ